



The Effect of Performing Cryonics on the Revocable Contracts of a Frozen Person in Iranian Law

Hoda Jafari^{1*}, Seyyed Mohammad Hadi Saei¹

1. Law Group, Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: One of the new and emerging issues that have been discussed in the last few decades is the freezing of a human body suffering from an incurable disease for reviving with the advancement of science in the future. In order to save their lives, these people are trying to save themselves from certain death caused by their disease, by doing this. The effects that this action has on their legal life have caused scholars to examine the legal effects of this action. In this article, we are looking for the effect of this action on revocable contracts.

Methods: This article is written in a descriptive-analytical way using library resources and referring to scientific books and articles.

Ethical Considerations: In this research, ethical principles and scientific trustworthiness have been respected.

Results: According to jurisprudent, in the dissolution of permissible contracts due to anesthesia, the dissolution of revocable contracts due to Cryonic can be deduced.

Conclusion: Revocable contracts, which are against irrevocable contracts, are destroyed by the death and incapability of the parties. In relation to a frozen person, despite the fact that she/he is considered alive, valid contracts made before freezing are dissolved. The reason is that, like death or incapability, freeze is not one of the cases of dissolution of contract and it is not specified in the civil code but according to jurisprudent, in the dissolution of permissible contracts due to anesthesia, the dissolution of revocable contracts due to Cryonic can be deduced and as a result, Cryonic, like the condition of a person who has gone into a coma, is the cause of a person's disability and termination of consent and dissolution of the contract.

Keywords: Cryonic; Lifetime; Revocable Contract; Dissolution

Corresponding Author: Hoda Jafari; **Email:** ho.jafari@edu.ikiu.ac.ir

Received: August 24, 2022; **Accepted:** November 18, 2022; **Published Online:** May 27, 2023

Please cite this article as:

Jafari H, Saei SMH. The Effect of Performing Cryonics on the Revocable Contracts of a Frozen Person in Iranian Law. *Medical Law Journal*. 2023; 17(58): e5.



اثر انجام عمل سرمازیستی بر عقود جایز فرد فریز شده در حقوق ایران

هدی جعفری^{۱*}، سیدمحمد هادی ساعی^۱

۱. گروه حقوق، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: از مسائل مستحدثه و نوظهوری که در چند دهه اخیر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، کرایونیک یا فریز کردن بدن انسان مبتلا به بیماری لاعلاج جهت احیا مجدد با پیشرفت علم در آینده است. این افراد با هدف حفظ حیات خود تلاش می‌کنند با تن دادن به این عمل از مرگ حتمی ناشی از بیماری خود نجات پیدا کنند. اثراتی که بر زندگی و وضعیت حقوقی آن‌ها می‌تواند داشته باشد، سبب شده است که اندیشمندان به دنبال تبیین آثار حقوقی آن باشند. در این مقاله نیز به دنبال اثر آن بر عقود جایز فرد هستیم.

روش: این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، با رجوع به کتب و مقالات علمی فراهم شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش اصول اخلاقی و امانتداری علمی رعایت شده است.

یافته‌ها: با استناد به نظر فقها در ارتباط با اثر بیهوشی بر عقود اذنی می‌توان انفساخ عقود جایز (اذنی) فرد در اثر سرمازیستی را استنباط کرد.

نتیجه‌گیری: عقود جایز اذنی که در مقابل عقود لازم و لازم‌الاجرا قرار دارند با فوت و حجر طرفین آن منفسخ می‌شوند. در ارتباط با فرد سرمازیست می‌توان گفت که با وجود زنده‌تصور کردن او، عقود جایزی که پیش از عمل فریز شدن فرد منعقد شده‌اند، منفسخ می‌شوند. علت آن، این است که گرچه فریز بودن جزء موارد مصرح در قانون مدنی، یعنی فوت یا حجر که سبب انفساخ عقد جایز است، اما با استناد به نظر فقها در ارتباط با اثر بیهوشی بر عقود اذنی می‌توان از بین رفتن عقود جایز اذنی فرد در اثر سرمازیستی را نیز استنباط کرد و به این نتیجه رسید که سرمازیستی نیز مانند حالت فردی که به کما رفته است، سبب ناتوانی در فرد و قطع اذن و انفساخ عقد می‌شود.

واژگان کلیدی: سرمازیستی؛ حیات؛ عقد جایز؛ انفساخ

نویسنده مسئول: هدی جعفری؛ پست الکترونیک: ho.jafari@edu.ikiu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۷؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۳/۰۶

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Jafari H, Saei SMH. The Effect of Performing Cryonics on the Revocable Contracts of a Frozen Person in Iranian Law. Medical Law Journal. 2023; 17(58): e5.

مقدمه

سرمازیستی یا کرایونیک انسانی یکی از مسائل مستحدثه و نوظهور در حوزه علم پزشکی و فیزیک است که با گسترش استقبال نسبت به انجام آن مسائل حقوقی خاص خود را به همراه داشته است. هدف از سرمازیستی نجات بیمار مبتلا به بیماری لاعلاج است تا از مرگ حتمی ناشی از بیماری خود نجات پیدا کند. اولین اندیشه‌ها و ایده‌های این عمل نیز (آن هم به صورت یک گفتمان علمی) به بنجامین فرانکلین (Benjamin Franklin) در سال ۱۷۷۳ میلادی بازمی‌گردد. او معتقد بود سرد شدن شدید بدن پیش از مرگ می‌تواند انسان را تا سال‌های طولانی حفظ کند تا شاید دانش بشر در آینده بتواند او را به زندگی بازگرداند (۱)، سپس این طرح در داستان نوشته‌شده توسط ادmond ابوت (Edmond Ebawet) در سال ۱۸۶۱ نیز اشاره شد. در سال ۱۹۴۷ پروفیسور رابرت اتینگر (Robert Etinger) ایده سرمازیستی را مطرح کرد و با اصراری که بر کارایی نظریه خود در قرن بیست و یکم بشری داشت، در سال ۱۹۶۲ نسخه مقدماتی از «چشم‌انداز جاودانگی» را منتشر نمود (۱). نخستین نمونه عمل سرمازیستی انسانی مربوط به شخصی به نام پروفیسور جیمز بدفورد (James Bedford) در سال ۱۹۶۷ است که به فریز شدن تن داد و به شخصی اسطوره‌ای در این حوزه بدل شد (۱). در حال حاضر بزرگ‌ترین و معروف‌ترین مؤسسه کرایونیک انسانی در جهان «بنیاد تمدید حیات الکور» است که در سال ۱۹۷۲ در آمریکا تأسیس شد و در حال حاضر نیز شناخته‌شده‌ترین بنیاد در زمینه تحقیقات و مطالعه سرمازیستی محسوب می‌شود (۱).

از جمله مؤسسات دیگر که می‌توان نام برد، انستیتوی کرایونیک کلینتون در ایالت میشیگان آمریکا و بنیاد روسی متوسلا و شرکت روسی کریوپروس (KrioRus) واقع در مسکو در کشور روسیه است (۲). در حال حاضر کشورهای پیشرو در این زمینه آمریکا و روسیه هستند و سالانه نیز افرادی داوطلب اقدام به این امر می‌گردند. به علت افزایش تمایل افراد به انجام این عمل و تبعات حقوقی‌ای که انجام آن

در زندگی فرد دارد، بررسی این موضوع و تبیین ابعاد حقوقی زندگی فرد پس از سرمازیستی حائز اهمیت است، لذا در این زمینه تحقیقاتی صورت گرفته است و مقالات و کتب معدودی نوشته شده است. در این مقاله نیز نگارندگان سعی بر این دارند که پس از بیان مفهوم سرمازیستی به بررسی تأثیر آن بر عقود جایز اذنی فرد بپردازند که این موضوع نیز خود مستلزم بررسی مختصری درباره مفهوم مرگ و وضعیت حیات فرد سرمازیست است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

روش

این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، با رجوع به کتب و مقالات علمی فراهم شده است.

یافته‌ها

با استناد به نظر فقها در ارتباط با اثر بیهوشی بر عقود اذنی می‌توان از بین رفتن عقود جایز (اذنی) فرد در اثر سرمازیستی را استنباط کرد.

بحث

۱. مفهوم سرمازیستی: سرمازیستی یا انجماد بدن انسان بیمار لاعلاج یک دانش نو ظهور است که طی آن فردی که مبتلا به یک بیماری سخت و لاعلاج است، در حالتی نیمه مرگ قرار می‌گیرد تا پیشرفت علم پزشکی در آینده بتواند درمانی برای بیماری او ارائه دهد. در اثر این عمل خون فرد بیمار از رگ‌هایش خارج و بدن او توسط نیتروژن مایع منجمد می‌شود، به گونه‌ای که سلول‌های بدن فرد با وجود کاهش دما حیات خود را حفظ کنند. در ادامه خون و اکسیژن را به مغز می‌رسانند تا مانع از مرگ سلول‌های مغزی شوند. در حقیقت پس از ایست قلبی با ورود نیتروژن مایع به بدن از آسیب‌های

ناشی از یخزدگی جلوگیری می‌کنند. پس از آماده‌سازی بدن بیمار، انجماد آرام‌آرام آغاز می‌شود تا به دمای منفی ۱۹۶ درجه برسد. جسم این افراد پس از انجماد داخل کیسول‌هایی مملو از نیتروژن مایع نگهداری می‌شود. بهترین زمان برای انجام مؤثر کرایونیک تا دو دقیقه پس از ایست قلبی است. بنابراین معمولاً افراد متقاضی این عمل در اواخر حیات خود در نزدیکی مراکز اجرای کرایونیک ساکن می‌شوند تا با وقوع مرگ ظاهری، عملیات سرمازیستی روی فرد آغاز شود (۱).

هنگامی که بیمار دچار ایست قلبی می‌شود، بلافاصله پزشکان دست به کار می‌شوند و قبل از از بین رفتن سلول‌های مغز بیمار، بدن را سرد می‌کنند، سپس بیمار را به دستگاهی که خون و اکسیژن را به مغز می‌رساند، متصل می‌کنند تا سلول‌های مغزی آسیبی نبینند (۳).

در صورت عدم انجام کرایونیک مرگ فرد حتمی است، اما با انجام آن احتمال بازگشت فرد به زندگی وجود دارد، لذا برای فردی که دیگر امیدی بر زنده ماندن او وجود ندارد، به مراتب ضررهای انجام آن از عدم انجامش کمتر است و چه بسا سبب ادامه حیات فرد گردد. امید به حفظ حیات انسان‌های بیمار سبب شده است که این روش مورد توجه بیماران لاعلاج قرار گیرد و با انتشار مقالات و کتبی توسط اندیشمندان ابعاد حقوقی انجام آن تبیین گردد. در حقوق ایران نیز گرچه قانون خاصی در خصوص سرمازیستی وجود ندارد، اما به عنوان یک مسأله مستحدثه مورد ابراز نظر فقها قرار گرفته است، به گونه‌ای که برخی تصرف عقلایی در بدن انسان با هدف استمرار حیات را جایز اعلام کرده‌اند.

۲. عقود فرد سرمازیست: هر فردی در طول زندگی خود ممکن است عقود متفاوتی را منعقد کند. این عقود طبق ماده ۱۸۴ قانون مدنی به انواعی تقسیم می‌شوند که از جمله آن‌ها عقد لازم، جایز، خیاری، منجز و معلق هستند. تقسیم‌بندی عقود به لازم و جایز به لحاظ قابلیت فسخ آن‌ها است و علت بحث آن در این پژوهش نیز همین نکته است که عقد لازم توسط هیچ یک از طرفین عقد قابل فسخ نیست (مگر در موارد معین: اقاله و فسخ) و در صورت حدوث فوت یا حجر هریک از

۲-۱. حیات یا مرگ فرد سرمازیست

۲-۱-۱. **مفهوم مرگ:** مرگ در لغت به معنای نیستی و فنا و موت است. مرگ توقف حیات در موجودی است که قبلاً زنده بوده و در اصل یک فرآیند است نه یک واقعه (۵). همچنین در نگاه فقهی مرگ قطع علاقه دائم روح از بدن است (۶). برای تبیین مفهوم مرگ توضیح چند مفهوم لازم است:

۲. **عقود فرد سرمازیست:** هر فردی در طول زندگی خود ممکن است عقود متفاوتی را منعقد کند. این عقود طبق ماده ۱۸۴ قانون مدنی به انواعی تقسیم می‌شوند که از جمله آن‌ها عقد لازم، جایز، خیاری، منجز و معلق هستند. تقسیم‌بندی عقود به لازم و جایز به لحاظ قابلیت فسخ آن‌ها است و علت بحث آن در این پژوهش نیز همین نکته است که عقد لازم توسط هیچ یک از طرفین عقد قابل فسخ نیست (مگر در موارد معین: اقاله و فسخ) و در صورت حدوث فوت یا حجر هریک از

و تنها آخرین رمق حیات در او باقی بماند و در این حال دیگری با انجام رفتاری به حیات غیر مستقر او پایان دهد نفر اول قصاص و نفر دوم به مجازات جنایت بر میت محکوم می‌شود.» از این ماده مفهوم حیات مستقر و غیر مستقر برداشت می‌شود. حیات غیر مستقر حالتی است که آخرین رمق‌های حیات در فرد وجود دارد و روح همچنان در بدن فرد باقی است، اما وضعیت به گونه‌ای است که تنها تصور موجود فرارسیدن مرگ است. به همین جهت شخص برخی علائم حیات را داراست، اما فاقد قابلیت دوام و ادامه زندگی است (۶). قانونگذار نیز چنین فردی را مرده تصور می‌کند و بیان کرده است که جنایت بر او جنایت بر مردگان است. قرارگرفتن در وضعیت حیات غیر مستقر وضعیتی است که دیگر نمی‌توان از حیات و حقوق مربوط به آن سخن گفت و از وجود یک شخص زنده یاد کرد و احکام مربوط به فرد زنده را بر او جاری ساخت، به گونه‌ای که بنا بر نظر عرف فرد در حکم مرده است (۶). این حالت حالتی است که فرد دیگر در مسیر جدایی روح از بدنش قرار گرفته، ولی به مرحله قطع کامل نرسیده است و دیگر قابلیت بازگشت نیز ندارد (۷). این نکته نیز حائز اهمیت است که اشاره ماده ۳۷۲ قانون مجازات اسلامی به واردشدن آسیب موضوعیتی ندارد و شیوه قرارگرفتن فرد در این حالت نیز فاقد اهمیت است، لذا ممکن است شخصی بر اثر صدمه و آسیبی که بر او وارد شده است، در این حالت قرار گرفته باشد یا براساس سلسله طبیعی امور باشد (۶).

به طور خلاصه می‌توان گفت که یک شخص یا در وضعیت حیات مستقر قرار دارد یا حیات غیر مستقر (در حکم مرده) یا مرگ قطعی. فردی که دچار مرگ مغزی می‌شود، در صورتی که امکان بازگشت حیات در آن منتفی باشد، از مصادیق حیات غیر مستقر است (۸) و در مورد او احکام مرگ مانند زوجیت، حال گشتن دیون و انواع نمایندگی‌ها و... اجرا می‌شود، اما چون هنوز تبدیل به جسدی سرد نشده است، احکام اموات جاری نمی‌گردد (۹).

با تبیین این مفاهیم در مورد فرد سرمازیست باید گفت زمانی که بیمار در حالت مرگ قرار می‌گیرد، به این امید که روزی مجدداً به زندگی بازگردد، دیگر مرگ مفهوم خود را از دست

۱-۱-۱-۲. مرگ قطعی: توقف قطعی و غیر قابل بازگشت اعمال قلبی و عروقی و تنفسی و حسی و حرکتی است که مرگ سلول‌های مغزی بر وجود آن صحنه می‌گذارد، لذا مشخصه بارز آن بازگشت‌ناپذیری اعمال حیاتی فرد است.

۱-۱-۲-۲. نزع: حالتی که قبل از وقوع مرگ حادث می‌شود، به این صورت که هوشیاری از بین می‌رود و در ابتدا مرگ عملکردی اعضای بدن رخ می‌دهد و به دنبال آن بافت‌های تشکیل‌دهنده اعضا می‌میرند. در پایان نیز با وقفه بازگشت‌ناپذیر اعمال قلبی و حسی و حرکتی مرگ قطعی رخ می‌دهد.

۱-۱-۳-۱. مرگ ظاهری: حالتی از حیات است که زیر ماسک مرگ پنهان شده است، طوری که در سر حد مرگ و زندگی حالتی ایجاد می‌شود که فرد دچار بیهوشی می‌شود و حرکات تنفسی و قلبی او خفیف می‌شود و در ظاهر متوقف به نظر می‌رسد. تشخیص این حالت از این جهت اهمیت دارد که با اقدامات لازم احیا می‌توان از مرگ قطعی جلوگیری کرد. این حالت بیشتر در غرق شدگی، برق‌گرفتگی و مسمومیت‌ها مشاهده می‌شود.

۱-۱-۴-۱. کما (اغما): اختلال شدید هوشیاری است. با توجه به میزان پایین یا بالابودن میزان هوشیاری می‌تواند منجر به مرگ یا برگشت فرد شود.

۱-۱-۵-۱. مرگ مغزی: برگشت‌ناپذیری اعمال عالی مغزی انسان است که در نتیجه آن تفکر، هوشیاری، اعمال تنفسی، کنترل فرمان قلب و به تبع آن ادامه کار سایر اعضای بدن مانند کلیه، کبد و... متوقف می‌شوند و تنها با دستگاه به کار خود ادامه می‌دهند. در صورت احراز این نوع مرگ می‌توان فرد را مرده تصور نمود. در مرگ مغزی چون مرگ محتوم است، در حکم مرگ قطعی است (۵).

۱-۲-۲. مفهوم حیات: در برابر مفهوم مرگ مفهوم حیات قرار دارد. منظور از حیات زنده‌بودن است، طوری که او را مرده ندانیم و احکام مردگان را بر او جاری نسازیم. ماده ۳۷۲ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد که «هرگاه کسی آسیبی به شخصی وارد کند، به گونه‌ای که وی را در حکم مرده قرار دهد

می‌دهد و دیگر نمی‌توان انسان را به علت توقف تپش قلب به خاک سپرد. ورود دانش جدید سرمازیستی انسان حوزه مفاهیم مربوط به مرگ را در نوردیده است و سبب از بین رفتن کارکرد مرگ شده است. تا پیش از معرفی مفهوم سرمازیستی در علم پزشکی مرگ توقف غیر قابل بازگشت عملکرد سیستم عصبی و مغزی بود که عموماً با توقف جریان قلب همراه بود، اما با انجام عمل سرمازیستی ممکن است فرد برای مدت طولانی‌ای وضعیت مشابه افراد مرده داشته باشد، اما روزی کارکرد مغز و تپش قلبش بازگردد. این خود سبب تغییر مفهوم مرگ می‌گردد، به گونه‌ای که سبب می‌شود مرگ را «عدم قابلیت بازگشت‌پذیری عملکرد سیستم عصبی و مغزی در محدوده دانش پزشکی کنونی» تعریف کنیم. منظور از محدوده دانش پزشکی علوم پزشکی است که می‌تواند شیوه‌های جدیدی را برای احیای مجدد متوفی معرفی نماید (۱). با توجه به مفاهیمی که در علم پزشکی درباره مرگ وجود دارد درباره انسان سرمازیست نه می‌توان از مرگ قطعی او سخن گفت و نه از حیات او مطمئن بود. یک انسان در جهان مادی یا می‌تواند زنده باشد یا مرده. حالتی بین این دو مفهوم برای وضعیت حقوقی اشخاص قابل تصور نمی‌تواند باشد (۱). بر همین اساس برخی در ارتباط با فرد سرمازیست اعتقاد به وضعیت مرگی دارند که قابلیت احیای مجدد را داراست (اتینگر). برخی محققان مؤسسه الکور نیز بر این باوراند که انسان منجمد از نظر قانونی مرده فرض می‌شود و تا زمانی که احیا نشده، نمی‌توان این فرد را زنده دانست (۱۰). بنابراین این فرد شبیه شخصی است که قصد خودکشی دارد و اشخاصی که در انجمادشدن به او کمک می‌کنند، نظیر اشخاصی هستند که به یک شخص کمک می‌کنند تا خودکشی کند، لذا مسئولیت کیفری دارند، حتی در ایالت ارگان و واشنگتون که معاونت در خودکشی مجاز است هم یک پزشک نمی‌تواند به بیمار خود کمک کند تا خود را منجمد نماید، بلکه تنها می‌تواند دارویی برای خودکشی پیشنهاد دهد. نمونه این امر پرونده دونالدسون (Donaldson) علیه لانگرن (Lungren) است. در این پرونده دونالدسون به بیماری لاعلاج تومور مغزی مبتلا بود. شدت

بیماری او منجر به تشنج و ضعف شدید او شده بود. پزشک او را از این امر آگاه کرد که بیماری‌اش روز به روز سخت‌تر خواهد شد تا سرانجام به مرگ او منتهی شود. در نهایت دونالدسون تصمیم گرفت پیش از مرگ قانونی منجمد شود تا شانس سلامت بدن و مغز خود را در آینده داشته باشد. او به دادگاه مراجعه کرد تا از حقوق خود پیش از انجماد مطلع گردد، اما دادگاه اعلام نمود که تفاوتی میان نتیجه این اقدام و خودکشی وجود ندارد. بنابراین با توجه به این موضوع پزشکان حق ندارند به بیماران در زمینه انجماد کمک کنند. دادگاه کالیفرنیا در این زمینه اعلام نمود که ممنوعیت همکاری پزشکان با دونالدسون به معنای نقض حقوق اساسی او نیست، در نتیجه در پرونده دونالدسون دادگاه اعلام کرد که اشخاص می‌توانند برای رهایی از رنج بیماری مطابق قوانین مختلف و اتانازی اقدام به خودکشی یا انجماد کنند (۱۱). بنابراین تأثیر این دیدگاه در رویه قضایی نظام حقوق آمریکا قابل مشاهده است. برخی مؤسسات همچون مؤسساتی که در میشیگان فعالیت دارند (۱۱)، معتقدند که علیرغم مرگ بیولوژیکی از لحاظ قانونی فرد منجمد زنده است، چون قوام و ایستادگی بدن به روح بوده و در حالت انجماد روح از بدن فرد خارج نشده و فقط عملکرد اعضای بدن متوقف می‌شود. در حقوق روسیه این احتمال داده شده است که در سال ۲۰۳۵ بتوانند مغز انسان را تا ابد زنده نگه دارند و خطاب‌کردن مرده بر چنین افرادی صرفاً بهانه‌ای برای مشکلات درمان و احیا است (۱۲)، لذا سرمازیستی در روسیه کاملاً قانونی است و مردم حق دارند شرایط نگهداری بدن خود را به دلخواه تعیین کنند (۱۳).

با وجود نظرات متفاوتی که در مورد حیات فرد سرمازیست وجود دارد شکی نیست که بر زنده یا مرده تصورکردن او آثار فراوانی مترتب است، به گونه‌ای که اگر او را مرده تصور کنیم دفن میت واجب می‌گردد، در حالی که مرده قابل احیادانستن او مشکلات فلسفی‌ای را به دنبال دارد که پاسخ به آن‌ها خود دغدغه‌ای دیگر است، چراکه احیای اموات کاری الهی است و تنها پیامبران به اذن او انجام می‌دهند، لذا اقدام به این امر در

عصر حاضر نوعی سنت‌شکنی است (۱). تشخیص حیات یا ممات برای فرد سرمازیست امر مشکلی است و طبق تعاریفی که از مرگ، مرگ ظاهری، مرگ مغزی و حیات شد سرمازیستی مشمول هیچ یک از آن موارد نمی‌شود. سرمازیستی به دنبال حیات فرد است تا بتواند از مرگ حتمی فرد بیمار جلوگیری کند، لذا اعمالی که روی بیمار انجام می‌دهد با هدف بازگشت پذیری فرد و حفظ حیات او است و هرگز به دنبال تسهیل مرگ بیماران لاعلاج نیست.

به طور کلی می‌توان گفت از آنجایی که در تقسیم مفهوم حیات، حیات غیر مستقر ناظر بر اجتناب‌ناپذیربودن وقوع مرگ است و در بیماران سرمازیست چنین فرضی مطرح نیست، وضعیت او در زمره حیات داران غیر مستقر قرار نمی‌گیرد. همچنین از آنجایی که مرگ مغزی نیز مرگ شناخته می‌شود، اما مغز شخص منجمد از کار نیفتاده است، اطلاق مرگ مغزی نیز بر فرد سرمازیست دور از تصور است. در علم پزشکی حالت چنین فردی را به کما می‌توان نزدیک‌تر دانست که احتمال احیا و بازگشت فرد به زندگی وجود دارد. در علم حقوق نیز به تبع این امر می‌توان فرد سرمازیست را در گروه حیات‌داران از نوع مستقر قرار دارد و در امور حسبی مربوط به فرد نیز از حیات مستقر او و اصل استصحاب پیروی کرد، اما چون فرد قادر به اداره امور خود نیست می‌توان برای اموال او امین یا وکیل تعیین کرد.

۲-۲. اثر سرمازیستی به عنوان یک عامل مستقل: تبیین مفهوم مرگ و حیات فرد سرمازیست روشن نمود که سرمازیستی مرگ نیست و می‌توان او را در زمره حیات‌داران مستقر قرار داد و در نتیجه از این راه نمی‌تواند عامل انفساخ عقود جایز او باشد، لذا انفساخ عقود جایز در اثر موت برای فرد سرمازیست مصداق ندارد، اما با این حال ممکن است از منظر دیگری در عقود جایز او مؤثر شناخته شود. تبیین این موضوع مستلزم اشراف بر وضعیت افراد سرمازیست است.

همان‌گونه که بیان شد، بلافاصله پس از ایست قلبی فرد سرمازیست، اقدامات مربوط به سرمازیستی بر روی فرد آغاز می‌شود تا سلول‌های مغزی او سالم بمانند. فرد پس از سرما

زیست‌شدن از جهاتی وضعیتی شبیه به افراد در کما (اغما) رفته پیدا می‌کند، چراکه چنین فردی نیز به علت وضعیت خاص جسمانی‌ای که دارد، هوشیاری‌اش از بین رفته است. با این حال نمی‌توان او را در حکم فرد مرده تصور کرد. کما در اصطلاح بیهوشی عمیق، فقدان حس و حرکت و از بین رفتن قدرت ادراک است و بر اثر آن قوای مدرکه و محرکه‌ای که افعال ارادی از آن به وجود می‌آید، تعطیل می‌شود (۱۴). فرد سرمازیست نیز مانند فردی که به کما فرو رفته است، زنده فرض می‌شود، اما قادر به تکلم، تفکر و ادراک محیط بیرونی و خارجی خود نیست، لذا وضعیت او با وضعیت فرد به کما فرورفته قابل قیاس است و وضعیت حقوقی آن‌ها را می‌توان قابل تسری بر موارد مشابه دانست، اما طبق ماده ۹۵۴ قانون مدنی آنچه سبب انفساخ عقود جایز می‌شود، موت یا سفه است (سفه در مواردی که رشد معتبر است) و حدوث عواملی چون کما و دیگر عوامل کاهش‌دهنده هوشیاری مورد اشاره قرار نگرفته‌اند. با این حال، تأثیر این موارد در منفسخ‌گرداندن عقود جایز قابل تأمل هستند.

برای تسری دادن انفساخ عقود جایز به مواردی جز موت یا حجر و حصری یا تمثیلی تشخیص‌دادن ماده ۹۵۴ قانون مدنی تبیین مبنای انفساخ عقد جایز به فوت و حجر می‌تواند راهگشا باشد.

دکتر کاتوزیان دلیل انفساخ عقد جایز به مواردی چون فوت و حجر را جایزبودن آن‌ها نمی‌داند و معتقد است که لزوم و جواز در آن نقش ندارد، بلکه اذنی‌بودن این عقود سبب انفساخ آن‌ها است، چراکه به طور مثال در عقدی مانند هبه غیر معوض که یک عقد جایز است، فوت یا حجر واهب یا متهب سبب انفساخ عقد نمی‌گردد و حتی آن را تبدیل به عقدی لازم می‌کند (۱۵). دلیل آن نیز همین است که هبه مفید اذن و اباحه نیست، لذا به نظر دکتر کاتوزیان مبنای انفساخ در اذنی‌بودن عقود جایز و رابطه آن با شخصیت طرفین عقد قابل جستجو است. دکتر کاتوزیان این‌گونه می‌نویسد که: «مرگ و جنون و بیهوشی عامل نیز از این جهت به عقد پایان می‌بخشد که تسلیط وابسته به شخصیت وجود اوست. مرگ عامل به معنی از بین رفتن محل و هدف عقد است و باید آن را از فروع (تعذر

نتیجه‌گیری

سرمازیستی یا کرایونیک انسانی به عنوان یکی از مسائل مستحدثه در چند دهه اخیر به عنوان یکی از آخرین راه حل‌ها برای نجات بیماران لاعلاج مطرح شده است. در اثر فریز شدن افراد، دمای بدن به منفی ۱۹۶ درجه سانتی‌گراد می‌رسد تا در محلهایی مملو از نیتروژن مایع نگهداری شود و روزی با پیشرفت دانش بشری به زندگی بازگردد. با این اقدام فرد در جهت حفظ حیات خود گام برمی‌دارد و از مرگ حتمی ناشی از بیماری‌های می‌یابد، اما نوظهور بودن این عمل ابهاماتی را در ارتباط با آثار حقوقی آن ایجاد کرده و سبب تکاپوی اندیشمندان حقوقی جهت پاسخگویی به آن شده است. اثری که انجام این عمل بر عقود جایز اذنی فرد سرمازیست می‌تواند داشته باشد، از جمله این مسائل است. عواملی که سبب انفساخ عقود جایز می‌شوند، در قانون مدنی مورد اشاره قرار گرفته‌اند. این عوامل تنها به موت و حجر اختصاص یافته و اشاره‌ای به عوامل دیگر مانند عوامل کاهش هوشیاری نشده است. با این حال اثر سرمازیست شدن به عنوان عاملی مستقل و غیر مصرح در قانون مدنی بر عقود جایز او قابل تأمل است. از آنجایی که در سرمازیستی هدف حفظ حیات فرد و بازگشت دوباره او به زندگی است، نمی‌توان از انفساخ به موجب فوت سخن گفت، لذا نه مصداقی از مرگ مغزی و نه مصداقی از مرگ قطعی است، بلکه می‌توان او را فردی با حیات مستقر دانست که توانایی‌هایی چون تفکر، تکلم و واکنش به محیط خارجی از او سلب شده است. در حقیقت باید گفت که اگرچه موارد انفساخ عقود جایز در قانون مدنی مشخص هستند، اما سرمازیستی یا دیگر حالت‌های مشابه بیهوشی مانند کما قابل قیاس است، بدین‌صورت که سرمازیست شدن همانند فرورفتن فرد در کما می‌تواند سبب انفساخ عقود جایز فرد شود. علت این امر آن است که بنا بر نظر غالب فقهای امامیه بیهوشی به هر علت و با هر مدتی به جهت قطع اذن سبب انفساخ عقود اذنی می‌شود. بنابراین عقود جایز فرد سرمازیست نیز که در بیهوشی به سر می‌برد، همانند عقود جایز فرد به کما رفته منفسخ می‌شوند.

به وفای عهد) شمرد. جنون و اغما نیز اهلیت تصرف او را زائل می‌کند و نمی‌تواند در این‌گونه قراردادها که بقای پیمان وابسته به وجود اهلیت است، دخالت داشته باشد، پس اثر اذن مالک و اختیار عامل در دوران جنون و اغما از بین می‌رود و بازگشت آن نیز به مقتضی جدید دارد و همین وضع است که به بطلان عقد تعبیر می‌شود» (۱۵). بنابراین ایشان معتقد است در عقود اذنی، اذن حدوداً و بقائاً باید در عقد وجود داشته باشد و با مرگ و حجر و حتی اغمای اذن‌دهنده، عقد منفسخ می‌شود، پس مبنای انفساخ نیز همین فقدان اذن است و قرارداد را نیازمند اذن دوباره می‌کند. علیرغم نظر دکتر کاتوزیان در مورد انفساخ عقود جایز اذنی در اثر بیهوشی دکتر امامی اغما یا بیهوشی را با توجه به ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی موجب زوال وکالت به عنوان یکی از مصادیق عقود جایز اذنی، ندانسته‌اند (۱۶). ایشان سکوت قانونگذار در مقام بیان را دلیل بر عدم پذیرش اغما به عنوان یکی از عوامل انفساخ عقد جایز وکالت بیان می‌کنند. در کنار نظرات دکترین، مشهور فقهای امامیه، اغما را یکی از عوامل انفساخ عقد جایز وکالت بیان می‌کنند. در کنار نظرات دکترین، مشهور فقهای امامیه، اغما را یکی از عوامل انفساخ عقد جایز می‌دانند (۱۷). آنان نیز علت انفساخ را زوال اذن عنوان می‌کنند، لذا اگر اذن فرد به هر علتی مانند جنون یا مرگ یا بیهوشی و کما از بین رود، عقد منفسخ می‌شود. همچنین تفاوتی ندارد منشأ بیهوشی چه عاملی است و این بیهوشی طولانی‌مدت است یا کوتاه‌مدت (۱۷). از تحلیل منشأ انفساخ این عقود می‌توان به وضعیت عقود جایز فرد سرمازیست نیز دست یافت. بدین صورت که با قیاس وضعیت فرد سرمازیست با فرد به کما رفته و فرد فاقد هوشیاری، می‌توان گفت که عقود جایز این افراد هم به سبب زایل شدن اذن ناشی از زوال هوشیاری، منفسخ می‌شوند. در حقیقت موارد مندرج در ماده ۹۵۴ قانون مدنی حصری نیستند و می‌توانند شامل موارد دیگری چون سرمازیست شدن و به کما رفتن افراد که سبب زوال اذن می‌شوند نیز باشد و نمی‌توان عواملی از این دست را که در هوشیاری افراد اختلال ایجاد می‌کنند، تنها به علت عدم درج در قانون مدنی مورد توجه قرار نداد.

مشارکت نویسندگان

هدی جعفری: جمع‌آوری مطالب، تجزیه و تحلیل داده‌ها و نگارش مقاله.

سیدمحمدهادی ساعی: نظارت و اصلاح مقاله.
نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

References

1. Ehsanpoor R, Habibi J. A collection of articles on human cryonics from the perspective ethics, jurisprudence and law. 1st ed. Tehran: Pezhvak-e Edalat Publications; 2020. p.12-14, 29, 31. [Persian]
2. Grego K. Marketing Life after Death, Cryopreservation in the hope of resuscitation. *Anglistica Aion*. 2019; 23: 59-61.
3. Sotoodeh Ravesh N, Vaziri M, Yaghooti E. Cryonics and the principles of medical ethics from the perspective of Islam. *Bioethics Journal Special Isssu on Bioethics and Citizenship Rights*. 2020; 10(1): 119-131. [Persian]
4. Katouzian N. Elementry courses of Iranian civil law, Juristic acts, contracts unilateral acts. 18th ed. Tehran: Ganj-e Danesh Publication; 2017. p. 429, 492. [Persian]
5. Goodarzi F, Kiani M. Forensic medicine for the students of law. 11th ed. Tehran: Samt Publications; 2014. p.82-83. [Persian]
6. Moshirahmadi AR, Hejazi A, Sabetian G, Badiiyan Mousavi N. Analysis of does not resuscitate order in patients whithout established life based on the article 372 of the Islamic penal code. *Iranian Journal of Forensic Medicine*. 2019; 25(2): 99-103. [Persian]
7. Nazari Tavakkoli S. Comparing brain death with unstable life. *Journal of Articles and Reviews*. 2003; 36(1): 87-105. [Persian]
8. Sadeghi MH. Unstable life. *Scientific Journal of Forensic Medicine*. 1995; 2(5): 27-31. [Persian]
9. Sotoudeh H, Kalthornnia Golkar M. Brain death; from nature to juridical legal effects. *Medical Law Journal*. 2012; 6(22): 113-150. [Persian]
10. Safari N, Bouzari S. Comparative study of legal aspects of cryonics in Iran and US law. *Medical Law Journal*. 2020; 13(51): 155-176. [Persian]
11. Foley PE. *The Law of Life and Death*. Massachusetts: Harvard University Press; 2011. p.45.
12. Peiros K, Smyth CH. Cryonics wreaking havoc with estate planning. *Taxation in Australia Journal*. 2017; 52(2): 96-98.
13. Ertel LA, Efimkova KS. Cryonics: Legal and Ethical Aspects. *Bioethics*. 2019; 2(24): 30-36.
14. Ahmadi MM, Iran Doost MH, Shakibrokh M. Study of the human condition in a coma jurisprudence and law. *Journal of Jurisprudence and Philosophical Studies*. 2013; 4(13): 115-133. [Persian]
15. Katouzian N. *Iranian civil law: General principles of contract*. 2nd ed. Tehran: Enteshar Corporation; 1997. Vol.5 p.427-428. [Persian]
16. Emami H. *Civil law*. 24th ed. Tehran: Eslamiyeh Publication; 2012. Vol.2 p.355. [Persian]
17. Rahpeyk S, Ebrahimi A. The results of decreased level of consciousness on permission contracts. *Journal of Judicial Law Views*. 2013; 63: 141-166. [Persian]